



غلامرضا سلامی

حسابدار رسمی

چاره رفع ایرادهای نظارت را در ایجاد نهاد ناظر دولتی نمی‌دانم

استاد غلامرضا سلامی در پنجاهمین سالگرد تاسیس انجمن حسابداران خبره ایران به عنوان چهره ماندگار سال ۱۴۰۱ انتخاب شدند.

مجله حسابرس به ایشان تبریک می‌گوید آرزوی سلامتی برایشان دارد.

حسابداری

تحولات ساختاری نیاز به واکاوی و دریافت نظر اهل فن دارد. به‌همین علت در آستانه تحول ساختاری در حرفه، از آقای سلامی درباب گفتگو درباره نهاد ناظر دعوت به‌عمل آوردیم. این شماره از مجله حسابرس را با حضور شما به واکاوی نظارت بر حسابرسی و به‌طور مشخص، ویژگیهای نهاد ناظر بر حرفه حسابرسی اختصاص داده‌ایم. ضمن خوشامدگویی، اگر مایلید ابتدا جهت روشن‌شدن هرچه بهتر موضوع مورد گفتگو، از تاریخچه مدل‌های نظارت بر حسابرسی

سلامی

از نظر من به امر نظارت بر کار حسابرسی مستقل در ایران ایرادهای بسیاری وارد است، ولی من چاره رفع این ایرادها را در ایجاد نهاد ناظر دولتی نمی‌دانم.

سازش

لطفا نظراتان را بیشتر توصیف کنید؟

سلامی

اعتقاد دارم چنانچه عزم جزمی از طرف اکثریت اعضای حرفه وجود داشته باشد، در قالب همین ساختار فعلی امکان نظارت کارآمد و رفع نگرانیهای به حق، وجود دارد. طبق مقررات، جامعه حسابداران رسمی به تقریب در گزینش اعضای خود و انفصال آنها از عضویت، مسلوب‌الاختیار است و همچنین هیچ نوع مشارکتی در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی ندارد و بسیاری از تصمیم‌گیریهایی ذاتی آن هم خارج از جامعه و توسط نهادهای دیگر به عمل می‌آید، بنابراین انتظار این

در کشورهای پیشرفته صنعتی برای ما و خوانندگان حسابرسی بگویید.

سلامی

در کشورهای پیشرفته از ابتدا تا چندین سال پیش، نهاد ناظر بر موسسات حسابرسی، نهادهای برخاسته از خود حرفه بود. برای مثال در خود آمریکا تا قبل از افشای تخلفات مالی گسترده در شرکتهای انرون، ورلدکام و... هم نهاد ناظر بر موسسات حسابرسی و هم نهاد استانداردگذار، مستقل از دولت به صورت خودانتظام در خود حرفه سازمان‌دهی می‌شد و انجام وظیفه می‌کرد. تا آن تاریخ هم همه تحولات مثبت و پیشرفت حرفه حسابداری همگام با توسعه خارق‌العاده صنعتی، اقتصادی و تکنولوژی آن جوامع حرکت می‌کرد. با افشای آن رسواییهای بزرگ، قانونگذاران بر آن شدند تا نظارت بر موسسات حسابرسی را در قالب یک نهاد حاکمیتی صورت گیرد.

سازش

نهاد ناظر این چینی آیا جلوی تکرار تقلبهای با این حجم را می‌گیرد؟

سلامی

البته هنوز خیلی زود است که قضاوت شود این تدبیر بتواند جلوی تکرار آن رسواییهای مالی را بگیرد و به‌طور شخصی اعتقاد دارم که این چین نخواهد بود.

سازش

با این توصیف، مدل مناسب موردنظر شما چیست؟

سلامی

به نظر من سازوکار مناسب مراقبتهای قانونی و مستمر بر چگونگی و کفایت نظارت بر حسابداری شرکتها و موسسات حسابرسی، به‌خصوص در مورد بنگاههای اقتصادی عمومی و شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس، باید محتوایی مورد توجه قرار گیرد و جایگاه دولتی یا مدنی آن نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد.

سازش

آیا در کل ایرادی به ساختار فعلی نظارت که در حیطه وظایف جامعه حسابداران رسمی است، وجود دارد؟ چاره کار از نظر شما؟

از نظر من مهمترین علت وجودی

جامعه حسابداران رسمی

به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای

نقش نظارتی آن است که

متأسفانه تاکنون

به دلایل مختلف به درستی

ایفا نشده است

بود که وظیفه نظارت بر اعضایش را به‌عنوان یک نهاد خودانتظام، خودش انجام دهد.

سپاس

با توجه به وظایف دیگر نهادها که هرکدام وظیفه مستقلی برای نظارت دارند، خودانتظامی که از آن نام بردید چه تفسیری دارد؟

سلامی

این خودانتظامی به‌معنای آن نیست که نهادهای ناظر دیگر مانند دیوان محاسبات، سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی در چارچوب وظایف نظارتی خود اقدامی در این زمینه انجام ندهند، بلکه برعکس، وظیفه اصلی نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی زیرنظر آن‌ها برعهده آنان بوده و این نظارت به‌خصوص در زمینه حسابداری و حسابخواهی بسیار حائز اهمیت است.

سپاس

برای خوانندگان حسابرس بفرمایید که ایراد اساسی در این خصوص را در چه می‌دانید؟

سلامی

ایراد اساسی در تداخل وظایف این نهادهای ناظر است، به‌نظر من در زمینه‌های نکات فنی و تکنیکی (مانند نظام پزشکی و نظام مهندسی) حسابداری و حسابرسی هیچ یک از نهادهای ناظر دیگر قادر به رسیدگی منصفانه و کارآمد نیست و این جامعه حسابداران رسمی است که باید این وظیفه اساسی را به‌درستی انجام می‌داد. متأسفانه از ابتدای تاسیس جامعه، آن‌طور که نیاز بود به مسئله نظارت توسط ارکان آن توجه لازم مبذول نگردید و این در حالی بود که مهمترین دلیل وجودی جامعه به‌عنوان یک تشکل حرفه‌ای امر نظارت بوده و هست و بی‌توجهی به آن باعث به‌وجود آمدن ایده ایجاد یک نهاد ناظر دولتی شده است.

سپاس

برخی نگرانیها در مورد مزاحم بودن نظارت بر فرایند انجام کار توسط نهاد ناظر وجود دارد. شما در این مورد چه نظری دارید؟ ایرادها را در چه می‌بینید؟

سلامی

با توجه به پیشینه موجود در ساختار اداری کشور به‌طور

کلی دیوان‌سالاری دولتی در همه زمینه‌ها به‌عنوان عامل مزاحم در توسعه کسب‌وکار کشور تلقی می‌شود، برای مثال توجه کنید که میزان نارضایتی از رفتار عوامل سازمان امور مالیاتی، تامین اجتماعی، شهرداری و... تا چه میزان است و نقش آن‌ها به‌عنوان موانع توسعه کسب‌وکار تاچه حد ارزیابی می‌شود. برخلاف کشورهای مطرح دارنده نظام دموکراسی که در آن‌ها دولت‌ها خدمتگزار مردم هستند و حفظ کرامت انسانها سرلوحه شعار و عمل نهادهای حکومتی است، در ایران متأسفانه به‌دلایل تاریخی حکومت پاسخ‌گویی لازم به مردم را ندارد. در چنین شرایطی باید تلاش کرد از طریق ایجاد نهادهای مدنی و تشکیلات خودانتظام بیشتر سازوکارهای دموکراسی در کشور را نهادینه کرد نه این‌که با اضمحلال نهادهای مدنی اندک فعلی مسیری قهقهه‌رایی را طی کرد.

سپاس

عاملی که نظارت بر موسسات حسابرسی را در اطمینان‌بخشی به گزارشگری مالی الزامی می‌کند، حفظ منافع عمومی است. منافع عمومی را چگونه می‌توان توصیف کرد؟

سلامی

منافع عمومی در هر جامعه‌ای از طریق توسعه متوازن کشور در زمینه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تامین می‌شود. هرچند که در اکثر زمینه‌های فوق حرفه حسابداری دارای نقش درخور توجهی است، ولی به‌هرحال حسابداری جزئی از علوم اقتصادی محسوب‌شده و نقش آن در توسعه اقتصادی تعیین‌کننده می‌باشد. ویژگیهای چون ایجاد اطلاعات قابل استفاده در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، اعتباربخشی به ادعاهای مدیریت بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی و حتی غیرانتفاعی، شفافیت اطلاعاتی، کاربرد سیستمهای کنترل و حسابرسی داخلی برای مقابله با ریخت‌وپاش، حیف‌ومیل و سوءاستفاده در فعالیتهای اقتصادی و حتی غیرانتفاعی و اعتباربخشی به گزارشهای مالی، جایگاه حرفه حسابداری را در حفظ منافع عمومی مشخص می‌سازد.

سپاس

ساختار کنونی نظارت بر حسابرسان در ایران چه نارساییهایی دارد؟

سلامی

همان‌طور که گفته شد، از نظر من مهمترین علت وجودی جامعه حسابداران رسمی به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای، نقش نظارتی آن است که متأسفانه تاکنون به‌دلایل مختلف به‌درستی ایفا نشده است. ابتدا باید دانسته شود که نظارت کارآمد برکار حسابداران حرفه‌ای، نه تنها حافظ منافع عمومی است، بلکه در نهایت منافع مادی و معنوی اعضای جامعه را هم به‌نحو شایسته‌ای تامین می‌کند. متأسفانه وجود تعارض بین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت، یک عارضه مهلک فرهنگی است که گریبان جوامعی مانند ایران را گرفته و مانع بزرگی در راه توسعه آن‌ها به‌شمار می‌رود. برای نمونه تعدادی از اعضای جامعه که متأسفانه اقلیت بزرگی را هم شکل می‌دهند، اصولاً از نظارت و عواقب آن گریزانند و همدلی لازم را برای تقویت این جبهه مهم نشان نمی‌دهند. غیر از مسایل فرهنگی، عوامل دیگری در وجود چنین دیدگاهی وجود دارد از جمله عدم‌صلاحیت حرفه‌ای تعدادی از اعضاء که به بهانه‌های مختلف از فیلترهای احراز صلاحیت لازم عبور نکرده‌اند. علت مهم دیگر، ناشی از وضعیت بد اقتصادی بیشتر موسسات حسابرسی است که نظارت را به‌عنوان امری مزاحم و زائد جلوه‌گر می‌سازد. وجود چنین دیدگاهی و جبهه‌گیری در مقابل نظارت از طرف تعدادی از اعضا ارکان منتخب را دچار تردید می‌کند و غیر از ایجاد ضعف ساختاری در فرایند نظارت، نهادهای غیرمنتخب یا خارج از جامعه را نیز به دخالت بیشتر در وظایف اصلی جامعه ترغیب می‌کند. از نظر من نکته مهمتر عدم‌درک کافی ارکان منتخب جامعه از اهمیت نظارت به‌عنوان اصلی‌ترین وظیفه آن، در این حدود بیست سالی که از تاسیس آن می‌گذرد، می‌باشد.

سازمان

دلیل بر این ادعا ذکر کنید؟

سلامی

دلیل این ادعا کیفیت پائین (به‌نسبت آنچه که باید باشد) ارکان نظارتی اصلی جامعه شامل هیئت‌مدیره، کارگروه کنترل کیفیت (و کارگروه‌های مرتبط دیگر)، واحد کنترل کیفیت، هیئت‌های بدوی انتظامی و عالی انتظامی و ... می‌باشد.

سازمان

البته نظارت بدون حضور ذینفع، ایده دیگر تشکیل نهاد ناظر بوده، به‌عبارتی ناظر نباید از بدنه حرفه باشد؛ با این توصیف با فرض وجود چنین توانمندی تخصصی در ناظر بیرونی، شما در این باره چه نظری دارید؟

سلامی

روشن است که اعضای حقیقی این واحدها و هیئت‌ها باید از آن‌چنان توانایی در کار خود برخوردار باشند که اکثریت اعضای جامعه به این توانایی و صلاحیت اذعان کنند. ولی متأسفانه می‌بینیم که در این دوران در اکثر موارد عکس آن صادق بوده است.

به این دلیل که به‌کارگیری افراد با صلاحیت ممتاز در این ارکان، از توان مالی جامعه فراتر است به‌نظر من عذر بدتر از گناه است؛ زیرا لازم است که جامعه بیش از ۹۰ درصد درآمدهای بالفعل و بالقوه خود را مصروف فرایند نظارت بکند. تصور این‌که کارشناس رسیدگی به پرونده‌های حسابرسی موسسات، حداکثر درحد یک حسابرس ارشد

بدیهی است که با این

پرداخت‌های فعلی جامعه

اشخاص واجد صلاحیت

موردنظر حاضر نیستند

در هیچ یک از ارکان نظارتی

جامعه وقت و انرژی

کامل بگذارند

بلکه در آن صورت جامعه حسابداران رسمی ایران نیز تبدیل به یک شیر بی‌یال و دم و اشکم خواهد شد و حسابداران رسمی و موسسات حسابرسی از شأن و جایگاه حرفه‌ای فعلی (که در قیاس با استانداردهای جهانی چندان هم بالا نیست) تنزل خواهد یافت. روشن است که در چنین شرایطی اقبال اشخاص نخبه به این حرفه روزبه‌روز کمتر خواهد شد و این به‌طور قطع به زیان آینده کشور خواهد بود. از نظر من یک حسابرس دارای شخصیت جهانی به هیچ وجه زیر بار نظارت و در بعضی موارد تحقیری که توسط اشخاص غیر واجد صلاحیت بر آن‌ها تحمیل خواهد شد، نخواهند رفت. برای نمونه من به‌عنوان یک حسابرس متوسط اگر هنوز حسابرسی می‌کردم، هرگز این شیوه رفتار سازمان بورس و اوراق بهادار با حسابرسان را بر نمی‌تافتیم و عطای آن را به لقایش می‌بخشیدم. از طرف دیگر توجه داشته باشیم که همان محدودیتهای بودجه‌ای و نیروی انسانی و سازوکارهای اعمال نظارت می‌تواند به‌طریق اولی در نهاد ناظر جدید نیز وجود داشته باشد.

سپاس

آیا نهاد ناظر تنها باید بر حسابرسی مستقل واحدهای بامناف عمومی نظارت داشته باشد و یا بر تمامی حسابرسان و خدمات اطمینان‌بخشی نظارت کند؟

سلامی

از دیدگاه من نظارت بر کار حسابداران حرفه‌ای باید شامل تمام خدمات اطمینان‌بخشی باشد زیرا منافع عمومی متأثر از همه اینگونه خدمات هست و احصا منافع عمومی به فعالیتهای یک یا چند گروه ویژه از بنگاه‌ها درست نیست.

سپاس

آیا با استقرار نهاد ناظر، حجم رسیدگیهای حسابرس و همچنین کیفیت آن تاثیر می‌پذیرد؟ به عبارتی آیا ظهور نهاد ناظر می‌تواند اثربخشی در حسابرسی را ارتقا ببخشد؟

سلامی

ما در حال حاضر جامعه حسابداران رسمی را به‌عنوان نهاد ناظر داریم بنابراین صرف ایجاد یک نهاد ناظر جدید ارزش‌افزوده‌ای به‌وجود نمی‌آورد، زیرا چه در نهاد ناظر موجود

توانایی نظارت را داشته باشد، نقض غرض نظارت است. از طرف دیگر یک کارشناس کنترل کیفیت ارشد (چه کارگروه کنترل کیفیت و چه در واحد کنترل کیفیت) و اعضای هیئت‌های انتظامی، لازم است حداقل صلاحیت یک مدیر ارشد حسابرسی را داشته و از ویژگیهای شخصیتی لازم برای این مسئولیتها نیز برخوردار باشند. بدیهی است که با این پرداختهای فعلی جامعه، اشخاص واجد صلاحیت موردنظر حاضر نیستند در هیچ یک از ارکان نظارتی جامعه وقت و انرژی کامل بگذارند. همچنین لازم است که حداقل یکی از اعضای کارگروه کنترل کیفیت، هیئت‌های بدوی انتظامی و عالی (منتخب جامعه) با داشتن صلاحیت لازم به‌صورت تمام وقت انجام وظیفه کنند.

سپاس

آیا ایجاد نهاد ناظر خارج از جامعه به‌نحوی که در طرح در دست بررسی مجلس وجود دارد، می‌تواند نارساییها و ایرادهای مطرح‌شده را مرتفع سازد یا خیر؟

سلامی

با صراحت می‌گویم خیر؛ زیرا نه‌تنها این ایرادها و نارساییهای پیش‌گفته می‌تواند در نهاد ناظر جدید وجود داشته باشد،

چه در نهاد ناظر موجود و

چه در نهاد ناظر جدید

تا کیفیت نظارت ارتقا پیدا نکند

هیچ تحولی در حسابداری حرفه‌ای

پدید نمی‌آید

نزدیک نهاد ناظر جدید به یک دستگاه با ردیف بودجه هزینه‌ای تبدیل شود، زیرا نمی‌توان تمام هزینه‌های ناکارایی دولت در نهاد جدید را به موسسات حسابرسی و بورس تحمیل کرد. در چنین حالتی و در صورت عدم‌تامین کسری از طریق بودجه سالانه دولت در حد کفایت، روشن است که این نهاد هم به بسیاری از نهادهای موازی و بی‌خاصیت دولت مبدل خواهد شد.

سازمان

برخی نظارت سازمان بورس را که در حال حاضر وجود دارد کافی دانسته و وجود نهاد ناظر را دوباره‌کاری می‌دانند. نظر شما در این خصوص چیست؟ با توجه به این‌که تمام موسسات حسابرسی معتمد بورس نیستند، نظارت سازمان بورس بر موسسات حسابرسی را تا چه حد دارای وسعت و جامعیت لازم می‌دانید؟

سلامی

از نظر من نظارت بورس بر موسسات حسابرسی هم ضعیف، در بعضی مواقع تبعیض‌آمیز، در بسیاری از موارد غیرکارشناسانه و گاه دور از شأن حسابرسان بوده است. اعتقاد داشته و دارم که سازمان بورس و اوراق بهادار فقط کافیست تا شکایت و مستندات خود را از کار حسابرسان به جامعه حسابداران رسمی منعکس کند، تا در آنجا فرایند رسیدگی به پرونده و طرح در هیئت‌های بدوی و عالی انتظامی طی شده و سازمان بورس به رأی صادره در هیئت‌عالی انتظامی که رییس آن را رئیس شورای بورس انتخاب می‌کند، تمکین کند. البته معتقدم که با اصلاح مقررات جامعه باید این حق برای دبیرکل جامعه، بورس و هیئت‌عالی نظارت (از طرف خود و سایر ذینفعان) ایجاد شود که طبق آن بتوانند به آرای هیئت‌های بدوی انتظامی اعتراض و درخواست تجدیدنظر کنند.

سازمان

به پایان گفتگوی تخصصی راجع به مسئله نظارت بر حرفه حسابرسی می‌رسیم. آقای سلامی از این‌که در این مجال با ما بودید کمال تشکر را داریم.



از نظر من نظارت بورس بر

موسسات حسابرسی هم ضعیف

در بعضی مواقع تبعیض‌آمیز

در بسیاری از موارد غیر کارشناسانه و گاه

دور از شأن حسابرسان بوده است

و چه در نهادناظر جدید تا کیفیت نظارت ارتقا پیدا نکند، هیچ تحولی در حسابداری حرفه‌ای پدید نمی‌آید. بدیهی است با تغییر رویکرد اشخاص ذیربط به‌خصوص خود حسابداران رسمی به‌مقوله نظارت بر حرفه به‌شرحی که گفته شد، اثربخشی حسابرسی در کشور به‌مراتب افزایش خواهد یافت. بنابراین به‌جای ایجاد یک نهاد جدید برای نظارت بر حرفه حسابداری بهتر است با تشخیص مشکل اصلی، سعی کنیم تحولی اساسی در امر نظارت در نهاد ناظر موجود ایجاد کنیم. هم منطقی‌تر است، هم اقتصادی‌تر، هم اثربخش‌تر و هم از فربه شدن بیشتر دولت جلوگیری می‌کند.

سازمان

در بحث نظارت، دولت منافع درامدی ندارد بلکه جهت پاسخگویی و اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی است، آیا با توجه به تخصصی بودن نظارت در حرفه حسابرسی ذینفع نبودن دولت مزیت تلقی می‌گردد یا خیر؟

سلامی

در این طرحی که من دیدم، دولت نه‌تنها منابع درامدی به‌دست نمی‌آورد بلکه این امکان وجود دارد که در آینده